

Islamic Denominations

Vol. 10, No. 20, March 2024, 461-488

(DOI) 10.22034/JID.2023.261039.2122

# Imami Jurists' Approach to Redressing Losses and Damages by Deducting them from Profits before Khums Payment<sup>1</sup>

Ali Baghcheghi<sup>2</sup>

Mohammad Reza Elmi Sola<sup>3</sup>

Hossein Nasser Moghaddam<sup>4</sup>

(Received on: 2020-10-5; Accepted on: 2021-1-30)

## Abstract

Addressing the issue of redressing damage or loss inflicted on one's possessions or property at the conclusion of their khums year is a crucial concern for businesspeople and merchants. Jurists, particularly later ones, have thoroughly examined various aspects of this issue. This article focuses on the central question: should the loss suffered by individuals during khums calculation be offset or compensated from their capital's profit, or should the khums, or one-fifth of the profit, be paid in full without addressing the loss? Employing a descriptive-analytic approach and scrutinizing the works of Imami jurists, this study identifies compelling reasons advocating for compensating losses from profits, emphasizing the absence of a distinction between loss and damage. It delves into the priority between loss and profit, distinguishing between the loss of the principal capital and profit loss. By evaluating the theories of Imami jurists, it advocates for the view that losses should indeed be compensated. Furthermore, utilizing practical principles such as the presumptions of *barā'a* (exemption) and *istiṣhāb* (continuity), it contends that losses or damages should be rectified from the profit.

**Keywords:** khums, business profits, loss, damage, capital.

---

1. This article is derived from Ali Baghcheghi, "An analysis of the approach of Imam jurists to compensation of losses and damages from the profit in the case of khums," PhD diss., Ferdowsi University of Mashhad, 2020.

2. PhD student, Jurisprudence and Foundations of Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Email: alib57@chmail.ir

3. Associate professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (corresponding author). Email: elmisola@um.ac.ir

4. Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Email: naseri1962@um.ac.ir

## رویکرد فقهای امامیه در جبران خسارت و تلف از ربح در پرداخت خمس<sup>۱</sup>

علی باغچقی<sup>۲</sup>

محمد رضا علمی سولا<sup>۳</sup>

حسین ناصری مقدم<sup>۴</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱]

### چکیده

جبران یا عدم جبران ضرر وارده بر اموال از موضوعاتی است که کسبه و تجار همه ساله در پایان سال خمسی با آن روبرو می‌شوند و این مسئله در شقوق مختلف آن، مورد توجه فقها و به‌ویژه متأخرین قرار گرفته است. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا ضرر وارده بر فرد هنگام محاسبه خمس، از سود حاصل از سرمایه‌اش جبران می‌شود؟ یا بدون جبران ضرر، خمس ارباح مکاسب کامل پرداخت می‌شود؟ این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با بررسی آثار فقهای امامیه، دلایل جبران خسارت و تلف از ربح را احصا کرده است و ضمن بیان عدم تفاوت خسارت با تلف، عوامل مؤثر بر موضوع نظیر استقلال ارباح یک یا چند کسب از یکدیگر، تقدم هر یک از خسارت و ربح بر دیگری و ضرر در رأس المال و غیررأس المال را بررسی می‌کند؛ سپس دیدگاه فقیهان امامیه همراه با نظر برگزیده بر جبران را طرح می‌کند؛ همچنین با استفاده از اصول عملیه برائت و استصحاب، حکم به جبران ضرر از ربح می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** خمس، ارباح مکاسب، خسارت، تلف، رأس المال و غیررأس المال.

۱. این مقاله برگرفته از: علی باغچقی، «تحلیل رویکرد فقهای امامیه به جبران خسارت و تلف از ربح در باب خمس» رساله

دکتری، استاد راهنما: محمد رضا علمی، دانشکده الهیات شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۹، است.

۲. دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، ایران Alib57@chmail

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) elimisola@um.ac.ir

۴. استاد گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران naseri1962@um.ac.ir

## مقدمه

«خمس» از جمله تکالیف شرعی فرعی در دین مبین اسلام است که خداوند متعال پرداخت آن را در برخی فواید واجب دانسته است. وجوب خمس در ارباح مکاسب مورد توافق همه فقیهان امامیه است و برخی بر آن ادعای اجماع نموده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۲: ص ۳۴۸) و جز مواردی نادر، مخالفی در مسئله دیده نمی‌شود (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۲۳)؛ اما در استخراج خمس ارباح مکاسب از مجموع درآمدهای سال یا بعد از کسر خسارات، میان فقیهان امامیه وحدت نظر وجود ندارد؛ چراکه مسئله مورد تحقیق صور مختلفی پیدا می‌کند؛ با این توضیح که حدوث ضرر در رأس المال و سرمایه اصلی یا ایجاد آن در دیگر درآمدها و اموال و همچنین اعتقاد به هر یک از انضمام یا عدم انضمام ارباح با یکدیگر، موجب اختلاف در حکم به جبران یا عدم جبران ضرر از ربح خواهد شد. در این موضوع تاکنون کتاب یا تحقیق جامعی نگارش نیافته است و تنها در آثار برخی فقیهان به ویژه از زمان شهید اول به بعد اشاراتی به آن شده است؛ از این رو این تحقیق دیدگاه فقیهان امامیه در رابطه با جبران یا عدم جبران صور مختلف ضرر در ارباح مکاسب را بررسی می‌کند.

## الف) مبنای حکم به جبران و عدم جبران

مستفاد از ادله، ثبوت خمس بر فوایدی است که برای فرد حاصل می‌شود؛ به عبارتی دیگر بر درآمد فرد پس از کسر برخی موارد از جمله هزینه تحصیل ربح، مخارج زندگی، ضرر وارده و مالیات حکومت، عنوان فایده صدق می‌کند و خمس واجب خواهد شد. دلیل این حکم روایت امام هادی (ع) در پاسخ به پرسشی است که فرمودند: «عَلَيْهِ الْخُمْسُ بَعْدَ مَثْوَنَتِهِ وَ مَثْوَنَةُ عِيَالِهِ وَ بَعْدَ خَرَاJ السُّلْطَانِ: (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۲۳) بعد از اخراج مؤونه خود

و خانواده‌اش و همچنین مالیات حاکم، خمس بر او واجب است». همچنین امام (ع) در پاسخ به پرسشی درباره خمس مردی که از زمین زراعی اش صد کَر (نوعی پیمانانه) گندم برداشت کرده است و عشر آن را از او گرفته‌اند و سی کَر آن را نیز خرج زمین کرده، فرمودند: «لِي مِنْهُ الْخُمْسُ مِمَّا يُفْضَلُ مِنْ مَوْنَتَيْهِ: (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۷) بعد از اخراج مئونه، یک پنجم آنچه اضافه بماند، برای من است». همچنین در صحیح‌ه محمد بن عیسی، امام کاظم (ع) در پاسخ به پرسش از فایده و قلمرو آن فرمودند: «الْفَائِدَةُ مِمَّا يَفِيدُ إِلَيْكَ فِي تِجَارَةٍ مِنْ رِبْحِهَا وَ حَرْثٍ بَعْدَ الْغَرَامِ أَوْ جَائِزَةٍ: (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۴۵) فایده [متعلق خمس] آن چیزی است که از سود تجارت، کشاورزی و پاداش بعد از کم کردن غرامت به دست می‌آید».

این روایات نشان از جواز کسر مخارج معیشت و تحصیل ربح و همچنین مالیات حکومت از شمول خمس است؛ افزون بر اینکه در روایت اخیر، لفظ «غرام» از ریشه «غرم» معنایی خلاف غنیمت را می‌دهد و ضرر را نیز دربر می‌گیرد. اهل لغت و فقها از این لفظ برای ضرر به معنای خسارت (ر.ک: طریحی، ۱۴۱۶: ج ۶، ص ۱۲۷؛ عاملی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۳۹۰) و به معنای تلف در مال (ر.ک: علامه حلی [بی تا]: ج ۱۶، ص ۳۱۱) استفاده کرده‌اند. بنابراین در معنای روایت می‌توان چنین عنوان کرد که فایده و متعلق خمس عبارت است از آنچه از درآمد پس از کسر هرگونه ضرری اعم از خسارت و تلف باقی مانده باشد.

بر این اساس در مبنای حکم به جبران و عدم جبران، اگر در مال یا تجارتي خسارت یا تلفی وارد شود، برای حکم به جبران و کسر ضرر از ربح باید قائل شویم به اینکه قبل از محاسبه ضرر، خمس به این سود تعلق نمی‌گیرد. به بیانی دیگر برای حکم به جبر یا باید مقتضی وجوب خمس از بین برود؛ یعنی عنوان فایده در موردی صدق نکند یا مانعی مثل هزینه تحصیل و معاش وجود داشته باشد؛ بدین معنا که خسارت یا تلف رایگی از مخارج یا مؤونات لحاظ کنیم و مانعی در برابر خمس بدانیم. در طرف مقابل برای حکم به عدم

جبران، باید قائل به وجود مقتضی و عدم مانع شویم؛ یعنی با وجود ضرر هم فایده را حاصل بدانیم هم خسارات وارده را مثونه ندانیم و خمس را در تمام سود پس از کسر هزینه تحصیل و معاش ثابت بدانیم.

### ب) خسارات و تلف در رأس المال

مسئله جبران خسارت و تلف از ربح، در دو مقام بررسی قرار می‌شود؛ مقام اول بحث از رأس المال و سرمایه‌ای است که فرد آن را در تجارت و کسب و کارش به کار گرفته است که از طرفی در این کار برایش سود حاصل می‌شود و از طرف دیگر در همین کار یا کسب دیگری که دارد، دچار ضرر شده است.

مقام دوم در خسارت و تلف در غیر رأس المال است؛ یعنی ضرر در اموالی که سرمایه اصلی فرد برای تجارت نبوده است و از مؤونات وی نیز محسوب نمی‌شوند. مسئله مورد بحث در این دو مقام این است که آیا این ضرر بر رأس المال یا غیر رأس المال، باید جبران و هنگام پرداخت خمس از ربح سرمایه کسر شود یا جبران نمی‌شود و پرداخت خمس آن واجب خواهد بود؟

فقیهان و به ویژه متأخرین، مقام اول را که بحث در ضرر بر سرمایه اصلی فرد است، با توجه به تعدد کسب و همچنین خسارت یا تلف وارده بررسی کرده‌اند؛ بنابراین در ادامه برای روشن شدن محل بحث و رسیدن به نظر مختار، دلایل ایشان در این مقام بررسی خواهد شد.

### ۱. قاعده «الربح وقایة لرأس المال»

یکی از قواعد فقهی که در ابواب مختلف فراوان مورد استناد فقیهان قرار می‌گیرد، قاعده «الربح وقایة لرأس المال» است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۲۶۶؛ محقق

حلی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۵۴۸؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۳۲۲). طبق این قاعده کلی، رأس‌المال و اصل سرمایه که بدون آن امکان تجارت از بین می‌رود و عسر و حرج حاصل می‌شود، باید حفظ شود و محافظ آن همین ربح است؛ به عبارتی دیگر اگر از یک طرف بر اصل سرمایه فرد خسارتی وارد شد و از طرفی هم سودی برایش حاصل شد، این ضرر از سود حاصله جبران می‌شود و این همان معنای وقایه و محافظ بودن ربح برای رأس‌المال است. مؤید مطلب این است که فقیهان در تبیین وقایه بودن ربح برای رأس‌المال در برابر ضرر، از لفظ «جبر» استفاده کرده‌اند. شیخ طوسی در مبسوط در این باره می‌فرماید: «الربح وقایه لرأس‌المال و متی خسرت شیئا جبرناه بالربح» (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۹۵)؛ یعنی اگر سرمایه فرد به هر دلیلی خسارت دید، از آنجا که ربح سپر این سرمایه است، این خسران با ربح جبران می‌شود. شهید ثانی نیز ضمن بیان وقایه بودن ربح برای رأس‌المال در ادامه می‌گوید: «يجبر ما يقع في التجارة من تلف أو خسران»: (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۷۳) آنچه از خسارت و تلف در تجارت واقع شده، با سود حاصله جبران می‌شود».

حکم به جبران ضرر در تبیین وقایه و سپر بودن سود برای سرمایه، نشان از ترادف و تفاوت نداشتن وقایه بودن ربح برای رأس‌المال با جبران خسارت سرمایه از سود است؛ بنابراین در باب خمس که فقیهان از لفظ «جبران» در تدارک خسارت توسط ربح استفاده کرده‌اند، مقصود همان وقایه و محافظ بودن ربح برای سرمایه است؛ از این رو این قاعده ویژه باب خاصی نیست و با توجه به وحدت ملاک، در ابواب مختلف نظیر خمس نیز جریان دارد. افزون بر اینکه برخی فقیهان از این قاعده در ابوابی چون زکات (ر.ک: انصاری، کتاب الزکاة، ۱۴۱۵: ص ۲۹۵؛ میلانی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۹) و مساقات (ر.ک: سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۹۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ص ۳۶۲) نیز استفاده کرده‌اند.

## ۲. خسارت در رأس المال

خسارت در لغت به معنای نقصان و کم شدن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۹۵) و راغب آن را به «انتقاص رأس المال» یعنی کم شدن سرمایه معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۸۱).

حصول ربح و همچنین نقصان در رأس المال، ممکن است در یک کسب یا در مکاسب مختلف صورت گرفته باشد؛ از این رو اعتقاد به انضمام یا عدم انضمام ارباح در مکاسب مختلف و همچنین امکان جبران خسارت یک کالا از سود کالای دیگر یا یک شغل از سود شغل دیگر، از مباحث مؤثر در فتوای فقیهان در حکم به جبران یا عدم جبران است. افزون بر اینکه تعیین شروع کسب یا حصول ربح به مبدأ سال خمسی و تقدم هر یک از ضرر و ربح بر یکدیگر نیز از عوامل مؤثر در این حکم است که در ادامه بررسی می شود.

### ۲-۱. استقلال یا عدم استقلال ارباح از یکدیگر

از مباحث تأثیرگذار در خمس ارباح مکاسب و محاسبه سود و ضرر، انضمام یا عدم انضمام ارباح مختلف است؛ با این توضیح که اگر کسی دو یا چند نوع تجارت داشته باشد و در برخی سود و در برخی ضرر کرده باشد، آیا باید در پایان سال خمسی مجموع استفاده و ضرری را که در این کارها داشته است، به طور کلی ملاحظه و محاسبه کند؟ یا در هر کدام، سود و زیان را جداگانه لحاظ کند و برای هر کدام سال مالی مستقل قرار دهد؟ بسیاری از فقیهان به ویژه معاصران، قائل به طریقه مجموعی و انضمام ارباح با یکدیگر شده اند و معتقدند اگر کسی مشاغل مختلفی از تجارت، زراعت و امثال آن داشته باشد، در آخر سال سود و ضرر مجموع مکاسب را با هم ملاحظه می کند و خمس آنچه به دست آورده است، بعد از اخراج مؤونه بر او واجب می شود و لازم نیست برای هر درآمد یا هر کسبی

سال مالی مستقل قرار دهد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۲۸۲؛ موسوی خمینی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۳۵۸؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۸۸)؛ اما برخی فقیهان از جمله شهید اول و ثانی قائل به عدم انضمام شده‌اند؛ با این تفاوت که از کلام شهید اول سال مستقل برای هر کسب - نه هر ربح - به دست می‌آید؛ چراکه ایشان مبدأ سال خمسی در هر کسبی را شروع آن می‌داند (شهید اول، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۵۹). اما بیان شهید ثانی با توجه به اینکه معتقد به سال خمسی برای هر ربح است، دال بر عدم انضمام ارباح به طور مطلق است؛ یعنی هر درآمدی به طور مستقل سال خمسی متفاوتی دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۴۶۸). صاحب حدائق در بیانی مانند شهید اول، مبدأ سال را در هر کسبی شروع آن دانسته است (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۱۲، ص ۳۵۴)؛ اما محقق خویی پس از بیان نظر شهید ثانی، آن را اظهر می‌داند و انضمام ارباح مختلف را با وجود تفاوت در شروع هر کار و حصول هر ربح، نیازمند دلیل دانسته است و در استدلال خود بر این مطلب می‌گوید: مستفاد از آیه خمس و روایات دال بر وجوب خمس - بنا بر شمول غنیمت و وجوب خمس بر هر فایده‌ای - این است که حکم خمس انحلالی است؛ پس هر فردی از افراد ربح موضوع مستقلی برای وجوب تخمیس است؛ همان‌طور که هر معدن و گنجی موضوع مستقلی برای خمس می‌باشد (ر.ک: خویی، ۱۴۱۸: ج ۲۵، ص ۲۴۳ - ۲۴۴).

بر این اساس می‌توان گفت در این باره سه نظر وجود دارد: انضمام ارباح با یکدیگر بطور مطلق، عدم انضمام به طور مطلق و تفصیل بین انضمام در ارباح حاصل از یک کسب و عدم انضمام در ارباح مکاسب مختلف.

از میان دیدگاه‌های سه‌گانه، هر چند دیدگاه شهید ثانی و برخی دیگر از فقیهان به دلیل محاسبه خمس هر یک از ارباح در موعد خودش به احتیاط نزدیک‌تر است، به نظر می‌رسد عمل به این نظر موجب هرج و مرج در محاسبه و در نتیجه عسر و حرج می‌شود؛ توضیح اینکه در بسیاری از مشاغل سود به طور روزانه برای فرد حاصل می‌شود؛ بنابراین اگر قائل



به عدم انضمام باشیم، باید برای هر سود یک سال خمسی قرار دهیم؛ یعنی به طور روزانه محاسبه مؤونات و ضرر وارده و کسر آن از درآمد را انجام دهیم که این امر موجب مشقت و حرج شدید است؛ بنابراین هیچ کاسبی چنین کاری انجام نمی دهد؛ حتی سیره متشرعین نیز بر این نیست.

شیخ انصاری در رابطه با مطلب فوق، استثنای مؤونه واحد از تجارت و صناعت را با وجود حصول تدریجی سود در این موارد، دلیل بر تعیین سال واحد در مجموع مکاسب و فواید حاصل از آنها دانسته است (انصاری، کتاب الخمس، ۱۴۱۵: ص ۲۱۸). این استدلال را می توان در ردّ نظر شهیدین مبنی بر عدم انضمام در مکاسب مختلف و عدم انضمام به طور مطلق دانست.

روایات دال بر کسر مؤونات از ربح، به ویژه بیان امام هادی (ع) به وکیل خود ابوعلی راشد مؤید نظر فوق است؛ چرا که امام در پاسخ به سؤال وی مبنی بر موارد وجوب دریافت خمس فرمود: «فِي أُمَّتِهِمْ وَ صَنَائِعِهِمْ ... إِذَا أَمَكْنَهُمْ بَعْدَ مَوْنَتِهِمْ: (حَرَّ عَامِلِي، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۵۰۰) خمس در کالاها بر تاجر و در صنایع بر سازنده آنها واجب است، در صورتی که بعد از کسر مؤونات و هزینه های زندگی این امکان برایشان وجود داشته باشد». توضیح اینکه مؤونات افزون بر مخارج زندگی فرد، شامل هزینه تحصیل ربح نیز می شود؛ حال آنکه در هر کدام از تجارتات و صناعات، هزینه های تحصیل ربح متفاوت از دیگری است؛ بنابراین بیان امام (ع) در استثنای مؤونه واحد از خمس با وجود تفاوت در مؤونات، دلیل بر تعیین سال واحد است؛ زیرا اگر چنین نبود و هر کسب یا ربیعی سال مستقل داشت، استفاده واحد از لفظ مؤونه برای جمیع موارد وجهی نداشت.

روایت علی بن مهزیار از امام جواد (ع) نیز دلیل دیگری بر محاسبه مجموعی ارباح مکاسب متعدد است؛ امام (ع) فرمود: «فَأَمَّا الْعَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ» (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۶۱)؛ توضیح اینکه با استناد به جمله «فِي كُلِّ عَامٍ» مبنی بر اینکه امام (ع)

خمس غنایم و فواید را در هر سال واجب دانسته است، می‌توان بیان ایشان را بر محاسبه سالانه مجموع ارباح حمل نمود؛ زیرا در غیر این صورت سزاوار بود همان‌طور که ایشان به سالانه بودن خمس اشاره کرده‌اند، به سال مستقل هر کسب یا هر ربح نیز با توجه به اهمیت و مبتلابه بودن آن اشاره می‌کردند.

مطلب دیگر در ردّ عدم انضمام ارباح اینکه عرف حتی در مکاسب متعدد، قول به پیوند و ارتباط بین آنهاست؛ بنابراین سود و زیان را به صاحب مکاسب و به طور مجموعی ملاحظه می‌کند؛ چراکه آنچه در نظر عرف موضوعیت دارد، کاهش یا افزایش سرمایه یک فرد در مجموع مکاسبش در پایان سال است که در حالت اول قائل به ضرر و در حالت دوم قائل به سود می‌شود و در این باره توجهی به تعداد مکاسب فرد و سود جداگانه هر کدام ندارد.

همچنین مالیاتی که دولت‌ها از تجار و کسبه دریافت می‌کنند، سالانه و بر اساس انضمام درآمد آنها لحاظ می‌کنند که این امر دالّ بر محاسبه سالانه و مجموعی ارباح با یکدیگر است. امام هادی (ع) نیز خمس را پس از کسر مؤونات و خراج سلطان واجب دانستند که سالیانه و پس از محاسبه مجموع درآمد سال اخذ می‌شده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۲۳).

#### ۱-۱-۲. ثمره عملی قول به انضمام یا انحلال ارباح

از نظر عملی بین این دو قول در جبران یا عدم جبران خسارت از ربح، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ چنان‌که برخی فقیهان اشاراتی به آن داشته‌اند (ر.ک: خویی، ۱۴۱۸: ص ۲۴۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۳: ص ۱۵۹). تفاوت اول اینکه طبق قول به انضمام، ضرر وارده بر سرمایه فرد از تمام ارباح حاصله او خارج می‌شود؛ بنابراین ممکن است هزینه یا خسارتی که در اوایل سال بر فرد تحمیل شده است، از ربحی که بعد از آن حاصل شده کسر شود؛ ولی بر مبنای

عدم انضمام، از آنجاکه هر ربیحی به طور مستقل موضوع خمس است و تا یک سال پس از حصول، مشمول خمس نخواهد بود؛ ضرر متقدم از ربح متأخر استثناء نخواهد شد؛ چراکه آن ضرر قبل از شروع سال خمس مرتب با این ربح صورت پذیرفته است؛ بنابراین ارتباطی بین ضرر پیشین با ربح آینده وجود ندارد.

تفاوت دیگر اینکه بر مبنای قول به انضمام، چنانچه در روزهای آخر سال خمس درآمدی برای فرد حاصل شود، در صورتی که در همان چند روز آخر سال آن را هزینه نکند یا خسارتی بر او وارد نشود، باید خمس آن را بدهد؛ اما بر مبنای قول به عدم انضمام، تا سال آینده نیاز به پرداخت خمس آن نیست و در این مدت اگر خسارتی بر فرد وارد شد یا هزینه ای انجام داد، می تواند آن را از ربح جبران کند و خمس باقی مانده آن را بپردازد. بر این اساس اعتقاد به هر یک از این دو نظر، موجب اختلاف در فتوای فقها در جبران یا عدم جبران ضرر از ربح خواهد شد.

## ۲-۲. جبران خسارت یک شغل با سود شغل دیگر

جبران یا عدم جبران خسارت یک کالا از ربح کالای دیگر یا یک شغل از شغل دیگر، از مسائل مبتلابه‌ی است که همه ساله کسبه با آن روبرو هستند و در تعیین مقدار خمس بسیار مؤثر است. این بحث را با توجه به سرمایه‌گذاری فرد در کسب واحد یا مکاسب متعدد، می توان در شقوق مختلفی بررسی کرد که در ادامه به آن پرداخته می شود.

### ۲-۲-۱. جبران خسارت در یک نوع تجارت

قدر متیقن در جبران خسارت از ربح، موردی است که فرد فقط در یک رشته از تجارت فعال است؛ مثل تاجری که در کار فروش مواد غذایی است و از فروش برخی اجناس سود برده و در برخی دیگر ضرر کرده است. این قسم مورد اتفاق فقهاست و برخی معتقدند اشکال و

اختلافی در آن وجود ندارد (ر.ک: میلانی، ۱۳۹۵: ص ۱۹۵؛ حکیم، ۱۴۱۶: ج ۹، ص ۵۵۴؛ خویی، ۱۴۱۸: ص ۲۷۹)؛ از این رو بیشتر فقیهانی که بحث جبران خسارت از ربح را مطرح کرده‌اند، ضمن اشاره به این قسم، قائل به جبران خسارت از ربح در تجارت واحد در سال واحد شده‌اند (ر.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۲۲۸؛ نجفی، [بی‌تا]: ج ۱۶، ص ۶۱؛ انصاری، ۱۴۱۵: ص ۲۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۹: ص ۲۹۶؛ موسوی خمینی، [بی‌تا]: ص ۳۵۸ - ۳۵۹). البته این اتفاق نظر در صورت مقدم بودن ربح بر خسارت است.

در تشخیص سود و ضرر و در نتیجه جبران یا عدم جبران در تجارت، چنان‌که برخی فقیهان اشاره کرده‌اند (ر.ک: سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۱۱، ص ۴۵۵)، عمل عرف و تجار بر نظر فقیهان اولویت دارد؛ زیرا این موضوع عرفی است و از موضوعات شرعی یا استنباطی محسوب نمی‌شود و خود فقیهان نیز بر اساس آنچه بین مردم و تجار متعارف است، نظر و فتوا می‌دهند. بر این اساس با توجه به نظر عرف مبنی بر پیوستگی و ارتباط بین فواید حاصله در یک کسب یا تجارت در سال واحد، این موارد به طور مجموعی محاسبه می‌شوند. به بیانی دیگر اگر از منظر عرف کسر خسارت از ربح برای صدق عنوان استفاده لازم باشد، حکم به جبران خواهد شد که در تجارت واحد چنین است و در این بین فرقی بین اینکه ضرر و سود در یک یا چند زمان یا در یک یا چند کالا باشند، وجود ندارد.

## ۲-۲-۲. جبران خسارت در چند نوع تجارت

اگر کسی با سرمایه‌اش فقط به تجارت بپردازد و البته سرمایه خود را در دو یا چند کالای مختلف صرف نماید؛ مثل کسی که هم تجارت پوشاک کند هم به خرید و فروش کفش مشغول باشد و در یکی سود و در دیگری ضرر کند، طبق نظر بیشتر فقیهان پس از کسر خسارات از ارباح در مجموع موارد، مازاد اموالش در پایان سال خمس سود محسوب

می‌شود و مشمول خمس خواهد بود (ر.ک: آقا جمال خوانساری، [بی تا]: ص ۳۱۴؛ انصاری، ۱۴۱۵: ص ۲۱۲ - ۲۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ص ۳۸۴؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ص ۳۵۸ - ۳۵۹).

دلیل بر جبران خسارت در این نوع از تجارت، عدم صدق عنوان ربح در صورت عدم جبران خسارت است؛ با این توضیح که مناط در صدق عنوان ربح گرچه در تجارت متعدد، حصول این ارباح در سال واحد می‌باشد. به بیانی روشن‌تر همین که ارباح در یک سال خمسی واحد حاصل شده باشند، گرچه در چند تجارت یا از چند مال مختلف برای ارتباط و پیوستگی بین آنها کفایت می‌کند؛ بنابراین خسارت هر تجارت از سود تجارت دیگر کسر می‌شود تا درآمد حاصله فایده محسوب شود.

برخی فقیهان در جبران خسارت از ربح در تجارت متعدد، قائل به تفصیل شده‌اند؛ محقق نراقی این مطلب را در دو قسم عنوان نموده است؛ یکی اینکه دو تجارت با مال واحد صورت پذیرفته باشد و دیگر اینکه با دو مال متفاوت تجارت کرده باشد. در قسم اول مشروط بر اینکه ربح مقدم بر خسارت باشد، جبران صورت می‌پذیرد؛ ولی در قسم دوم به طور مطلق جبرانی در کار نخواهد بود (نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ص ۷۳ - ۷۴). تفصیل دیگر مربوط به استقلال یا عدم استقلال سرمایه و محاسبه مشاغل از یکدیگر است؛ با این توضیح که در تجارت در انواع مختلف، اگر هر کدام به تنهایی مستقل نباشد و دفتر و دخل و خرج واحدی داشته باشند، به دلیل پیوند موجود حکم به جبران خسارت هر یک با ربح دیگری می‌شود؛ اما در صورت استقلال سرمایه و محاسبه هر یک از تجارتات، به دلیل عدم ارتباط و سنخیت بین آنها حکم به عدم جبران خواهد شد (ر.ک: موسوی خمینی، [بی تا]: ص ۳۵۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۳: ص ۱۶۸ - ۱۶۹).

بر خلاف نظر مشهور، برخی نیز فقط در تجارت واحد جبران را می‌پذیرند و در تجارتات یا مکاسب متعدد قائل به عدم جبران شده‌اند (ر.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۲۰۸؛

اصفهانی، ۱۴۲۲: ص ۳۰۸). بنابراین با توجه به اینکه ملاک تشخیص عرف است، به نظر می‌رسد دیدگاه صحیح جبران خسارات از ربح در سال واحد است؛ چراکه به واسطه صدق عرفی، هیچ فرقی بین نوع واحد و انواع مختلف برای تحقق جبران وجود ندارد و مناط در هر دو، واحد است؛ به عبارت دیگر هم یک کاسب در کارش آن است که مال خود را افزایش دهد و برایش فرقی نمی‌کند از چه رشته‌ای و از کدام یک از اموالش این سود به دست آید و در صورتی که در یک رشته، سود و در رشته دیگری ضرر کند، اگر ضررش بیشتر باشد، در مجموع خود را خاسر می‌بیند؛ بنابراین به همان اندازه که خسارت بر او وارد شده، سود منتفی است و مشمول خمس نمی‌باشد.

### ۲-۲-۳. جبران خسارت در چند کسب مختلف و مجزا از هم

این معاملات در مورد کسی صادق است که سرمایه‌اش را در دو یا چند رشته مختلف به کار گیرد و در هر کدام درآمد مجزایی داشته باشد؛ مثل کسی که هم به تجارت می‌پردازد هم به زراعت مشغول است هم در کار صناعت فعالیت می‌کند و در هر کدام برایش سود یا ضرر مستقل اتفاق می‌افتد.

بسیاری از فقیهان ضمن بیان این قسم، قائل به جبران خسارت هر یک از تجارت، زراعت و صناعت در سال واحد با ربح دیگری شده‌اند (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۶۵؛ محقق سبزواری، [بی تا]: ج ۱، ص ۲۱۳؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۳۳۱). شیخ انصاری یکی از کسانی است که سال واحد را معیار صدق عنوان ربح قرار می‌دهد، بدون اینکه بین تجارت واحد یا تجارات متعدد، در جبران ضرر تفاوتی قائل شده باشد (انصاری، ۱۴۱۵: ص ۲۱۲ - ۲۱۳)؛ اما برخی دیگر از فقیهان بر خلاف نظر فوق، قائل به اقوی بودن عدم جبران شده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۹: ص ۲۹۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۲:

ص ۲۱۲ - ۲۱۳؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۳۲۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۲۷۹).  
اختلاف نظر فقیهان در جبران یا عدم جبران خسارت از ربح در تجارات و مکاسب مستقل از یکدیگر را باید ناشی از استنباط در صدق یا عدم صدق عنوان ربح در صورت جبران یا عدم آن بدانیم؛ به بیانی دیگر اگر مشاغل را به گونه عموم مجموعی لحاظ کنیم، به طوری که مجموع ربح و ضرر در آنها با هم لحاظ شوند، به دلیل پیوند موجود اشکالی در جبران خسارت یک شغل با سود شغل دیگر نیست؛ اما اگر به گونه عموم استغراقی لحاظ کنیم، به گونه‌ای که ربح و ضرر در هر شغل به تنهایی مورد ملاحظه قرار گیرد، در این صورت اقتضای عدم جبران وجود دارد؛ چراکه هیچ ارتباط و سنخیتی بین این مشاغل و سود و زیان آنها وجود نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد حکم به جبران در این قسم (کسب درآمد از مشاغل متعدد) نیز از قوت بیشتری برخوردار است؛ چراکه تعدد عنوان و استقلال مشاغل از یکدیگر ذاتی نیست، بلکه همه آنها مقدمه تحصیل مال هستند و اختلاف آنها فقط در طریق تحصیل سود است؛ به عبارت دیگر هدف اصلی نوع افرادی که سرمایه‌شان را در چند شغل مختلف به کار گرفته‌اند، افزایش سرمایه است و غرض این افراد یک کسب یا معامله به طور خاص و مستقل نیست؛ پس مکاسب به خودی خود نزد آنها موضوعیت ندارد.

همچنین مستفاد از روایات، استثنای مؤونه از ربح سال است؛ بنابراین مستثنی منه ربح سال است. بر این اساس مناط در فواید، مجموع آن چیزی است که در طول سال حاصل می‌شود، نه آن چیزی که از هر مال به طور خاص و مستقل به دست می‌آید؛ به بیانی دیگر همان طور که استثنای مؤونه در طول سال به حسب مالک واحد است نه مال واحد، حصول ربح نیز به همین شکل است و در این زمینه فرقی بین مصدر واحد برای ربح یا مصادر متعدد نیست. افزون بر این از نظر عرف نیز ملاک وجوب خمس، صدق ربح در

مجموع سال نسبت به مالک است نه صدق آن نسبت به هر معامله‌ای از معاملات؛ در واقع عرف در پایان سال مجموع سرمایه فرد در مشاغل متعدد را با هم ملاحظه می‌کند و اگر چیزی افزون بر ابتدای سال داشت، آن را سود محسوب می‌کند و در صورت ضرر در یکی از مشاغل، تا قبل از کسر آن ضرر از سایر فواید، عنوان ربح را صادق نمی‌داند. این مطلب با قاعده «الربح وقایة لرأس المال» نیز سازگار است.

با توجه به اینکه مناط در صدق عنوان ربح، حصول فایده برای مالک در سال واحد بوده است و حصول ربح در هر کسب به طور مستقل ملاک نیست، بین صور مختلف سود و ضرر در تجارت واحد، دو تجارت یا چند رشته مختلف هیچ تفاوتی وجود ندارد.

### ۳-۲. جبران یا عدم جبران در تقدم خسارت یا ربح بر یکدیگر

از دیگر عوامل مؤثر در حکم به جبران یا عدم جبران، تقدم هر یک از خسارت و ربح بر دیگری است. در جبران خسارت از ربح در کسب واحد، مشروط به تقدم ربح، اختلافی میان فقیهان وجود ندارد؛ اما در صورت تقدم خسارت، با توجه به تفاوت نظر در مبدأ سال خمسی، اختلاف در حکم ایجاد خواهد شد؛ با این توضیح که طبق نظر فقیهانی که مبدأ سال خمسی را حصول ربح می‌دانند (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۶۸)، در صورتی خسارت جبران می‌شود که متأخر از حصول ربح باشد؛ چراکه قبل از حصول ربح اصلاً بحث خمس مطرح نیست و هنوز خمسی واجب نشده است؛ بنابراین جبران خسارت از ربح موضوعیت ندارد؛ ولی طبق نظر فقیهانی که مبدأ سال خمس را شروع کسب می‌دانند (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۵۹)، اگر خسارت قبل از ربح هم محقق شده باشد، ضرر همان سال محاسبه می‌شود و به وسیله ربح جبران خواهد شد.

دیدگاه انضمام یا عدم انضمام ارباح با یکدیگر نیز در صورت تقدم خسارت بر ربح، در حکم به جبران یا عدم آن مؤثر است؛ بر مبنای قائلین به انضمام ارباح با یکدیگر در



صورتی که خسارت و ربح مربوط به یک سال باشند، خسارت از سود کسر خواهد شد؛ چراکه طبق این مبنا، مجموع فواید حاصله با هم لحاظ می‌شود و هر چیزی که مانع از صدق عنوان ربح باشد، از مجموع ارباح حاصله کسر خواهد شد؛ اما بر اساس دیدگاه عدم انضمام ارباح، از آنجاکه هر ربیعی سال خمسی مستقل و مختص خود را تا یک سال پس از حصول دارد، به دلیل عدم ارتباط ربح با زمان قبل از حصول، برای خسارات مقدم بر سود، جبرانی در کار نخواهد بود. بر این اساس با توجه به ادله‌ای که پیش از این بر اعتبار انضمام ارباح بیان شد، مبنای محاسبه خمس یک سال واحد خمسی برای مجموع فواید حاصله است؛ بنابراین هرگونه خسارتی که در این مدت بر سرمایه وارد شود، از ربح همان سال کسر خواهد شد.

### ۳. تلف در رأس المال

در جبران ضرر از ربح افزون بر خسارت، از لفظ تلف نیز استفاده شده است که به معنای از بین رفتن عین یا منافع مال به خودی خود یا به سبب حادثه است و به اسباب مختلفی مثل فعل انسانی یا حوادث آسمانی حاصل می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۶۱۵)؛ همچنین به ازدست دادن یا از بین رفتن منفعت مطلوبی که به طور معمول از چیزی به انسان می‌رسد، تلف گفته می‌شود (محمود عبدالرحمان، [بی تا]: ج ۱، ص ۵۴).

فقیهان متقدم بحث جبران ضرر از ربح را بیشتر در باب مضاربه مطرح کرده‌اند و اغلب در این باب تفاوتی بین نتیجه تلف و خسارت قائل نشده‌اند (ر.ک: فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۳۲۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۴۲۳). شیخ طوسی در مبسوط ضمن بیان قاعده «الربح وقایة لرأس المال»، ابتدا بحث تلف و در ادامه خسارت در رأس المال را مطرح کرده است و در هر دوی این موارد به دلیل محافظ بودن ربح برای رأس المال، قائل به جبران شده است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۳، ۱۹۰ - ۱۹۵). اینک که شیخ طوسی تلف و خسارت را جدا از

هم بیان می‌کند، نشان از تفاوت این دو لفظ نزد ایشان است؛ اما نتیجه یکسان و استفاده از یک قاعده برای تلف و خسارت، نشان از عدم تفاوت بین نتیجه و اثر این دو در باب مضاربه است.

بیشتر فقیهان متأخر نیز که بحث جبران یا عدم جبران ضرر از ربح را در باب خمس طرح کرده‌اند، بین خسارت و تلف تفاوتی قائل نشده‌اند. خوبی در این باره می‌فرماید: «لا فرق فی ذلک بین صورتی الخسران و التلف السماوی» (خوبی، ۱۴۱۸: ج ۲۵، ص ۲۸). مکارم شیرازی نیز در تعلیق بر عروه نوشته است: «لا فرق بین تلف رأس المال و الخسران» (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۲۳۷).

صاحب عروه بحث خسارت و تلف را با هم مطرح کرده است. ایشان در فرض حصول سود و ایجاد ضرر در تجارات متعدد در سال واحد، قول به جبران را قوی‌تر دانسته است و این قوت را در خسارت بیشتر از تلف می‌داند؛ اما در جبران زیان در دورشته کار مستقل مانند تجارت و زراعت، قائل به اقوی بودن عدم جبران به ویژه در مورد تلف شده است (همان، ۲۳۸). دلیل اینکه ایشان در حکم به جبران، خسارت را و در حکم به عدم جبران تلف را خاص‌تر می‌داند، این است که ضرر در معاملات اغلب مبنی بر خسارت است، نه تلف؛ پس جبران در خسارت، اظهر از تلف است (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۶: ص ۵۵۴). افزون بر اینکه خسارت در برابر تلف در مانعیت از عنوان صدق ربح قوی‌تر است (موسوی خلخالی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۲۷۶). با این وجود مشهور فقیهان در اصل حکم به جبران و عدم جبران تفاوتی بین خسارت و تلف قائل نیستند.

بر خلاف نظر مشهور در عدم تفاوت بین جبران در خسارت و تلف، برخی از فقیهان با وجود اعتقاد به جبران در خسارت وارده بر مال، در تلف مال به طور مطلق قائل به عدم جبران شده‌اند (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ص ۴۶۵؛

آقا جمال خوانساری، [بی تا]: ص ۳۱۴؛ انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الشمس: ص ۲۱۳؛ چراکه این فقیهان آنچه تلف شده را مؤونه لحاظ نکرده‌اند؛ همچنین عدم جبران آن را مانعی برای صدق عنوان ربح نمی‌دانند.

اگر دلیل قائلین به نظر فوق در تفاوت بین خسارت و تلف، غلبه عددی و کثرت خسارت در برابر تلف در معاملات باشد، این استدلال چندان موجه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا چنانچه قاعده «الربح وقایة لرأس المال» علت برای جبران باشد، این قاعده تفاوتی بین تلف با خسارت قائل نمی‌شود و ربح را محافظ سرمایه در صورت بروز هرگونه ضرری می‌داند؛ چنان‌که برخی فقها در استفاده از این قاعده در باب مضاربه، آن را شامل تلف و خسارت دانسته‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۹۵-۱۹۰؛ علامه حلی، [بی تا]: ج ۱۷، ص ۱۱۳-۱۱۴).

همچنین اگر روایت «الْفَائِدَةُ مِمَّا يَفِيدُ إِلَيْكَ فِي تِجَارَةٍ مِنْ رِبْحِهَا وَ حَرْثٍ بَعْدَ الْغَرَامِ أَوْ جَائِزَةً» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۴۵) و لفظ «غرام» دلیل بر جبران ضرر باشد، در این صورت نیز چنان‌که گذشت، این لفظ هم خسارت هم تلف را دربرمی‌گیرد.

صافی گلپایگانی نیز ضمن بیان عدم تفاوت بین تلف و خسارت در جبران از ربح، در تبیین آن چنین عنوان می‌کند که تلف نیز مانند ربح از شئون تجارت است و بر آن مترتب می‌شود؛ ضمن اینکه عرف در صورت حصول فایده و حدوث خسارت و تلف، مجموع این موارد را با هم لحاظ می‌کند و در صورتی که پس از کسر خسارت و تلف چیزی از سود باقی بماند، آن را فایده و مشمول خمس می‌داند؛ از این رو در حکم به جبران و عدم جبران، هیچ تفاوتی بین خسارت و تلف نیست (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۷: ج ۱۰، ص ۲۰۳). به نظر می‌رسد همین بیان اخیر که موافق با نظر اغلب فقیهان معاصر است، بیان دقیق‌تری باشد؛ زیرا تلف و خسارت از مصادیق ضرر به شمار می‌روند؛ بنابراین وقتی ضرر

کمتر، یعنی خسارت و نقصان در مال، مانع از صدق عنوان فایده می‌شود، به طور اولی ضرر بزرگ‌تر یعنی تلف هم همین حکم را دارد. افزون اینکه عرف نیز در جایگاه مرجع تشخیص در صدق عنوان ربح، تفاوتی بین تلف و خسارت قائل نیست و هر دو را مانع از صدق فایده می‌داند.

### ج) خسارت و تلف در غیررأس المال

در جبران ضرر وارده بر اموال، افزون بر رأس المال، خسارت و تلف در غیررأس المال نیز مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد؛ با این بیان که اگر کسی از سرمایه‌اش سودی کسب کند و در مقابل در غیررأس المال دچار خسارت یا تلف شود، آیا این ضرر از آن سود کسر می‌شود یا خیر؟

منظور از غیررأس المال مالی است که در طریق اکتساب واقع نشده است و از مؤونات نیز محسوب نمی‌شود (ر.ک: موسوی خلخالی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۲۷۰)؛ مثل فرشی که اصلاً در خانه مورد استفاده نیست یا خانه‌ای که کسی دارد و در زندگی مورد استفاده‌اش نیست و سرمایه‌کارش نیز محسوب نشود.

بیشتر فقیهان در ضرر وارده بر غیررأس المال قائل به عدم جبران شده‌اند (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۷؛ نجفی، [بی تا]: ۶۱). سید یزدی و بسیاری از محشیان بر عروه نیز در تلف و خسارت بر غیررأس المال به دلیل عدم لحاظ آن از مؤونات، قائل به عدم جبر شده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۲۹۴). خوبی نیز قائل به عدم جبران به دلیل خارجی بودن خسارت بر ربح شده است؛ چراکه معتقد است بین سرمایه و اموال غیرسرمایه‌ای پیوندی وجود ندارد؛ بنابراین از آنجاکه خسارت خارج از سرمایه است و ارتباطی با ربح ندارد، صدق عنوان استفاده در تجارت سلب نمی‌شود و همچنان ربح برقرار است و در این باره تفاوتی بین اعتقاد به تعلق خمس به

مطلق فایده یا تعلق آن به ارباح حاصل از تجارت وجود ندارد (ر.ک: خویی، ۱۴۱۸: ص ۲۷۸ - ۲۷۹).

استدلال محقق خویی بر حکم به عدم جبران، با توجه به عدم سنخیت بین ربح حاصل از رأس المال با ضرر وارد بر غیررأس المال صحیح به نظر می‌رسد؛ چراکه فقط در صورتی حکم به جبران ضرر خواهد شد که ضرر از مؤنات محسوب شود یا با وجود آن عنوان ربح بر فواید حاصله صادق نباشد که در اینجا به دلیل عدم پیوند ربح با ضرر، هیچ‌کدام از شروط مذکور جاری نیست و حکم به عدم جبران خواهد شد. به بیانی دیگر غیررأس المال از اموالی نیست که نفع و ضرر فرد با آن لحاظ می‌شود؛ چنان‌که برخی فقیهان به همین مطلب استدلال نموده‌اند (ر.ک: حائری، ۱۴۱۸: ص ۲۲۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۱۱، ص ۴۵۳).  
گفتنی است جمله آخر کلام محقق خویی در ردّ تفصیلی است که حکیم در مستمسک عنوان نموده است؛ با این بیان که بنا بر نظر قائلین به وجوب خمس در فواید اکتسابی، هیچ ارتباطی بین ضرر در غیرسرمایه با سود سرمایه وجود ندارد؛ بنابراین عدم جبران حرف صحیحی است؛ اما بنا بر قول قائلین به وجوب خمس در مطلق فواید، تمام آنچه فرد به دست می‌آورد، از فواید محسوب می‌شود؛ بنابراین اموال غیرسرمایه‌ای که برای فرد حاصل می‌شود، مثل هبه و مانند آن با آنچه از سرمایه به دست می‌آید، موضوع واحدی است و همگی ربح محسوب می‌شوند؛ به همین دلیل باید ضرر غیرسرمایه با سود سرمایه جبران شود (حکیم، ۱۴۱۶: ص ۵۵۲ - ۵۵۳). این تفصیل در اشکال به صاحب عروه بیان شده است که با وجود اعتقاد به تعلق خمس به مطلق فایده، قائل به عدم جبران خسارات در غیررأس المال شده است.

به نظر می‌رسد تفصیل حکیم، دیدگاه نیکو و نزدیک به هر یک از دو مبنای فوق در تعلق خمس به فواید اکتسابی یا مطلق فواید می‌باشد. بر این اساس درباره غیرسرمایه دو نظر باید وجود داشته باشد؛ یکی عدم ارتباط و سنخیت آن با سرمایه که مبنای قائلین به تعلق

خمس به فواید اکتسابی است. بر اساس این قول از آنجا که مواردی نظیر هبه اصلاً در زمره ارباح محسوب نمی‌شود و خمس ندارند، پرداختن به جبران ضرر وارد بر این موارد تخصصاً از موضوع مورد بحث خارج است. نظر دوم سنخیت بین فوایدی نظیر هبه و ارث با فواید حاصل از سرمایه به دلیل وجوب خمس بر هر دو می‌باشد؛ بنابراین بحث جبران یا عدم جبران خسارت و تلف این موارد با سود سرمایه یا برعکس موضوعیت پیدا می‌کند. به عبارتی دیگر به دلیل ارتباط بین تمامی فواید حاصله، ضرر در هر کدام موجب ضرر در مجموع فواید است و تا این ضرر جبران نشود، عنوان فایده و سود بر دیگر فواید صادق نمی‌باشد و خمس بر آن واجب نیست.

#### د) جبران تلف و خسارت در صورت شک

در صورتی که در صدق عنوان ربح و وجوب خمس در موردی دچار شک شدیم، باید به اصول عملیه که برای حالت شک در حکم واقع جعل شده است، رجوع کرد. دلیل فقهاتی مورد استناد اصل برائت است؛ توضیح اینکه اصولی‌ها هنگام شک در اصل تکلیف قائل به جواز ترک محتمل‌الوجوب و ارتکاب محتمل‌الحرمه می‌باشند (آخوند خراسانی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۱۳۳). در بحث ما نیز شک در تعلق خمس به مقدار مشکوک، شک در اصل تکلیف و مجرای اصل برائت است؛ بنابراین ترک خمس محتمل‌الوجوب جایز است که این همان جبران ضرر از ربح است؛ چنان‌که برخی از فقیهان نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۶: ص ۵۵۴؛ خویی، ۱۴۱۸: ص ۲۸۳).

دلیل فقهاتی دیگر مورد استفاده اصل استصحاب است؛ چراکه یقین به عدم وجوب خمس قبل از حصول ربح داشته‌ایم و اکنون در صدق عنوان ربح و در نتیجه وجوب خمس در مقدار خسارت دیده دچار تردید هستیم؛ پس عدم وجوب خمس در آن مقدار را استصحاب کرده و حکم به جبران می‌کنیم.

## نتیجه

ضرر وارده بر مال مشروط به اینکه در زمره مؤونات لحاظ شود یا به واسطه آن بر درآمد حاصله عنوان ربح صادق نباشد، از فواید حاصله جبران خواهد شد. بر این اساس در خسارت و تلف وارده بر رأس المال به دلیل پیوند بین ضرر با ربح، شرایط فوق تحقق می‌یابد و جبران ضرر از ربح جایز خواهد بود. در این حکم بین صور مختلف سود و ضرر در تجارت واحد، دو تجارت یا چند رشته مستقل هیچ تفاوتی وجود ندارد؛ چراکه مناط در صدق عنوان ربح گرچه در تجارتات متعدد، حصول این ارباح در سال واحد است. اما در خسارت و تلف وارده بر غیررأس المال، به دلیل خارجی و غیرمرتبط بودن ضرر با ربح، حکم به عدم جبران خواهد شد، اگرچه این حکم بر مبنای کسانی که قائل به وجوب خمس در مطلق فواید هستند، قابل خدشه می‌باشد. همچنین در صورت حصول ضرر و تردید در صدق ربح و وجوب خمس با اتکا به دو اصل براءت از تکلیف و استصحاب عدم حصول ربح در مورد مشکوک، حکم به جبران ضرر و عدم وجوب خمس می‌کنیم.

## کتاب‌نامه

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۳۸۹ ش)؛ کفایه الاصول؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین [بی تا]؛ التعليقات علی الروضه البهیه؛ قم: منشورات المدرسه الرضویه.
- اصفهانى، ابوالحسن (۱۴۲۲ ق)؛ وسیلة النجاه (مع حواشی الامام الخمينی)؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ ق)؛ کتاب الزکاه؛ قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)؛ کتاب الخمس؛ قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)؛ الحدائق الناضرة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حائری، مرتضی (۱۴۱۸ق)؛ کتاب الخمس؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حکیم، محسن (۱۴۱۶ق)؛ مستمسک العروه الوثقی؛ قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)؛ موسوعه؛ قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- راغب، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ سوریه: دار العلم والدار الشامیه.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق)؛ الخمس فی الشریعه الاسلامیه الغراء؛ قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- سبزواری، سید عبدالأعلى (۱۴۱۳ق)؛ مهذب الأحكام؛ قم: مؤسسه المنار.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۲ق)؛ البیان؛ قم: محقق.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق)؛ الدروس؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)؛ الروضة البهیة (المحشی). کلانتر؛ قم: کتابفروشی داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)؛ مسالك الأفهام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامیه.
- صافی گلپایگانی، علی (۱۴۲۷ق)؛ ذخیره العقبی فی شرح العروة الوثقی؛ قم: گنج عرفان.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق)؛ هداية العباد؛ قم: دار القرآن الکریم.
- طباطبایی، محمدکاظم (۱۴۱۹ق)؛ العروة الوثقی (المحشی)؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۸ق)؛ العروة الوثقی مع التعليقات؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)؛ مجمع البحرين؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)؛ المبسوط؛ تهران: المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ق)؛ الاستبصار؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)؛ تهذیب الأحكام؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)؛ مدارک الافهام؛ بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)؛ تحریر الاحکام؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع).



- \_\_\_\_\_ [بی تا]؛ تذکره الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق)؛ قواعد الاحکام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۳ ق)؛ تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله. الخمس والأطفال؛ قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)؛ ایضاح الفوائد؛ قم: اسماعیلیان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)؛ کتاب العین؛ قم: نشر هجرت.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ ق)؛ کشف الغطاء (ط. الحدیثه)؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۳ ق)؛ هدایه العباد؛ قم: دار القرآن الکریم.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ ق)؛ المعتمد فی شرح المختصر؛ قم: مؤسسه سیدالشهداء (ع).
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن [بی تا]؛ کفایه الاحکام؛ اصفهان: انتشارات مهدوی.
- محمود عبدالرحمان [بی تا]؛ معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیه؛ [بی جا]، [بی نا].
- مرعشی نجفی، شهاب الدین (۱۴۰۶ ق)؛ منهاج المؤمنین؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶ ق)؛ انوار الفقاهه. کتاب الخمس والأطفال؛ قم: مدرسه امام علی (ع).
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۴۲۷ ق)؛ فقه الشیعه (کتاب الخمس والأطفال)؛ قم: دار البشیر.
- موسوی خمینی، سیدروح الله [بی تا]؛ تحریر الوسیله؛ قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۷ ق)؛ غنائم الايام؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- میلانی، محمد هادی (۱۳۹۵ ش)؛ محاضرات فی فقه الإمامیه (کتاب الزکاه)؛ مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نجفی، محمد حسن [بی تا]؛ جواهر الکلام؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق)؛ مستند الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶ ق)؛ بحوث فی الفقه الزراعی؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

## References

- ‘Abd al-Rahmān, Maḥmūd. n.d. *Mu‘jam al-muṣṭalahāt wa-l-alfāz al-fiqhiyya*. N.p.
- Ākhūnd Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm. 1389 Sh. *Kifāyat al-uṣūl*. Qom: Majma‘ al-Fikr al-Islāmī.
- ‘Allāma al-Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf al-. 1413 AH. *Qawā‘id al-aḥkām*. Qom: Islamic Publishing Office.
- ‘Allāma al-Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf al-. 1420 AH. *Tahrīr al-aḥkām*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- ‘Allāma al-Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf al-. n.d. *Tadhkirat al-fuqahā’*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- ‘Āmilī, Muḥammad b. ‘Alī al-. 1411 AH. *Madārik al-afḥām*. Beirut: Al al-Bayt Institute.
- Anṣārī, Murtaḍā b. Muḥammad Amīn al-. 1415 AH. *Kitāb al-khums*. Qom: World Congress on Honoring al-Shaykh al-A‘zam.
- Anṣārī, Murtaḍā b. Muḥammad Amīn al-. 1415 AH. *Kitāb al-zakāt*. Qom: World Congress on Honoring al-Shaykh al-A‘zam.
- Āqā Jamāl Khwānsārī, Muḥammad b. al-Ḥusayn. n.d. *Al-Ta‘liqāt ‘alā al-rawḍat al-bahiyya*. Qom: Manshūrāt al-Madrasat al-Raḍawiyya.
- Baḥrānī, Yūsuf b. Aḥmad al-. 1405 AH. *Al-Ḥadā‘iq al-nāḍira*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Fakhr al-Muḥaqqiqīn, Muḥammad b. al-Ḥasan. 1387 AH. *Īdāḥ al-fawā‘id*. Qom: Esmailian.
- Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad al-. 1410 AH. *Kitāb al-‘ayn*. Qom: Hejrat Publications.
- Fazel Lankarani, Mohammad. 1423 AH. *Tafṣīl al-sharī‘a fī sharḥ tahrīr al-wasīla: al-khums wa-l-anfāl*. Qom: Pure Imams Jurisprudential Center.
- Golpayegani, Mohammad Reza. 1413 AH. *Hidāyat al-‘ibād*. Qom: Dār al-Qur‘ān al-Karīm.
- Ḥā‘irī, Murtaḍā. 1418 AH. *Kitāb al-khums*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ḥakīm, Muḥsin al-. 1416 AH. *Mustamsak al-‘urwat al-wuthqā*. Qom: Dār al-Tafsīr Institute.
- Hashemi Shahrudi, Mahmoud. 1426 AH. *Buḥūth fī al-fiqh al-zirā‘ī*. Qom: Institute for the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the School of Ahl al-Bayt.

- Iṣfahānī, Abū al-Ḥasan al-. 1422 AH. *Wasīlat al-najāt (ma' ḥawāshī al-Imām al-Khomeini)*.  
Qom: Institute for Compilation and Publication of the Works of imam Khomeini.
- Kāshif al-Ghiṭā', Ja'far b. Khiḍr. 1422 AH. *Kāshf al-ghīṭā'*. Qom: Islamic Propagation Office.
- Khoei, Abu al-Qasim. 1418 AH. *Mawsū'a*. Qom: Institute for Reviving the Works of  
Imam Khoei.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb al-. 1407 AH. *Al-Kāfi*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1416 AH. *Anwār al-fiqāha: kitāb al-khums wa-l-anfāl*. Qom:  
Imam Ali School.
- Mar'ashi Najafi, Shahab al-Din. 1406 AH. *Minhāj al-mu'minīn*. Qom: Ayatollah Mar'ashi  
Library.
- Milani, Mohammad Hadi. 1395 Sh. *Muḥāḍarāt fī fiqh al-Imāmiyya (kitāb al-zakāt)*.  
Mashhad: Ferdowsi University.
- Mīrẓā Qummī, Abū al-Qāsim b. Muḥammad Ḥasan. 1417 AH. *Ghanā'im al-ayyām*. Qom:  
Islamic Propagation Office.
- Muḥaqqiq al-Ḥillī, Ja'far b. al-Ḥasan al-. 1407 AH. *Al-Mu'tabar fī sharḥ al-mukhtaṣar*.  
Qom: Sayyid al-Shuhadā Institute.
- Muḥaqqiq al-Sabzawārī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Mu'min al-. n.d. *Kifāyat al-  
aḥkām*. Isfahan: Mahdavi Publications.
- Musavi Khomeini, Sayyid Ruhollah. n.d. *Tahrīr al-wasīla*. Qom: Dār al-'Ilm Press  
Institute.
- Mūsawī al-Khalkhālī, Sayyid Muḥammad Mahdī al-. 1427 AH. *Fiqh al-Shī'a (kitāb al-  
khums wa-l-anfāl)*. Qom: Dār al-Bashīr.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. n.d. *Jawāhir al-kalām*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Narāqī, Aḥmad b. Muḥammad Mahdī al-. 1415 AH. *Mustanad al-Shī'a*. Qom: Al al-Bayt  
Institute.
- Rāghib, al-Ḥusayn b. Muḥammad al-. 1412 AH. *Mufradāt alfāz al-Qur'ān*. Syria: Dār al-  
'Ilm and al-Dār al-Shāmiyya.
- Sabzawārī, Sayyid 'Abd al-A'lā al-. 1413 AH. *Muḥadhdhab al-aḥkām*. Qom: al-Manār  
Institute.
- Safi Golpayegani, Ali. 1427 AH. *Dhakhīrat al-'uqbā fī sharḥ al-'urwat al-wuṭṭhā*. Qom:  
Ganj-e Erfān.

- Safi Golpayegani, Lotfollah. 1416 AH. *Hidāyat al-‘ibād*. Qom: Dār al-Qur’ān al-Karīm.
- Shahīd al-Awwal, Muḥammad b. Makkī al-. 1412 AH. *Al-Bayān*. Qom: Mohaghegh.
- Shahīd al-Awwal, Muḥammad b. Makkī al-. 1417 AH. *Al-Durūs*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn b. ‘Alī al-. 1410 AH. *Al-Rawḍat al-bahiyya*. Qom: Davari Bookstore.
- Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn b. ‘Alī al-. 1413 AH. *Masālik al-afhām*. Qom: Mu’assasat al-Ma’ārif al-Islāmiyya.
- Sobhani, Jafar. 1420 AH. *Al-Khums fī al-sharī‘at al-Islāmiyyat al-gharrā’*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Ṭabāṭabā’ī, Muḥammad Kāzīm al-. 1419 AH. *Al-‘Urwat al-wuthqā (al-muḥashshā)*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ṭabāṭabā’ī, Muḥammad Kāzīm al-. 1428 AH. *Al-‘Urwat al-wuthqā ma‘ al-ta’līqāt*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School.
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn al-. 1416 AH. *Majma‘ al-baḥrayn*. Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1387 AH. *Al-Mabsūṭ*. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawiyya li-Iḥyā’ al-Āthār al-Ja‘fariyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1390 AH. *Al-Istibṣār*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1407 AH. *Tahdhīb al-aḥkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.